پایان نامه کارشناسی ارشد رشته رادیو گرایش نویسندگی

بررسی سبک شناسی نویسندگی متون ادبی رادیو (دهه شصت و هفتاد)

د ا نـشجـو :

شرمینه جمشیدی

استاد راهنما :

دکتر ویدا همراز

استاد مشاور :

دکتر محمد رضا ترکی

تابستان ۱۳۹۱

چکیده :

تداوم حضور رادیو در عرصه رقابت رسانه ای ، نیازمند شناخت هر چه بیشتر عناصر ، ویژگی ها و امکانات آن است.در این زمینه بی شک ، افزودن بر غنا و توانمندی زبان رادیو همپای دیگر اهداف ، اهمیتی بنیادین دارد . هدف از این تحقیق ، بررسی سبک شناسی نویسندگان متون ادبی رادیو و استخراج سبکی کاربردی به منظور نگارش متون ادبی در رادیو ست با این هدف ، سبک نویسندگی رادیو در یک دوره خاص (دهه های ٦٠ و ٧٠ شمسی)مورد بررسی قرار گرفته است تا دریابیم آیا سبک فردی نویسندگان متون ادبی رادیو بر نگارش متون انها تاثیر داشته و یا کیفیت و توجه به محتوای متن برای رادیو در دهه های مورد نظر بیش از سالهای بعد (به طور خاص دهه ٨٠) بوده است.

در این تحقیق از روش کیفی و اسناد کتابخانه ای همراه با مصاحبه عمیق با برخی نویسندگان برنامه های رادیویی و فعالان حوزه برنامه سازی در دوران مورد نظر استفاده شده است.

در پایان این تحقیق می توان به طور کلی گفت که سبک فردی و سبک دوره ، متأثر از سبک افراد صاحب سبک است .(معاصر و گذشتگان) در دهه شصت ، رادیو از ادبیات مطبوعاتی تأثیر می گرفت و نویسندگان از بیرون رادیو بر ادبیات آن اثر گذاشتند. در دهه هفتاد موضوع سخن و متن نویسنده به وقایع جاری زندگی نزدیک می شود و مخاطب همذات پنداری می کند اما وزن و آهنگ متون (سجع و ضربآهنگ) افول می کند.. در حوزه نظم ، سبک نویسندگان رادیو به سبک های عراقی ، خراسانی و هندی نزدیک می شود . غزل از نظر ظرافت و باریک بینی به سبک هندی نزدیک شده و قالب و بیان های سهل و ممتنع ، سبک نویسندگان را به سبک عراقی نزدیک می کند.

کلید واژه ها: نویسندگی رادیو _ متن رادیویی _سبک نویسندگی _ متون ادبی

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ طرح مسئله

رسانه ها در فرآیند دگرگونی داده های اولیه ارتباط اجتماعی در درون هر ملتی حضور دارنـد. نظـام های تازه مبادله ایجاد می کنند و به طور کامل شرایط حاکم بر انتقال دانش را تغییر می دهند و برای آنکه آموزش و پرورش رسمی و غیـر رسـمی را در دسـترس همگـان قـرار دهنـد بـاب اسـتفاده از مجموعه کاملی از امکانات را می گشایند فرهنگ را آزادانه در اختیار مردم می گذارند و دانش و فن را تعالی می بخشند از این رو رسانه ها موثرترین ابزار برای تاثیرگذاری بر روی افکار و احساسـات محسوب می شوند.

رادیو بعنوان فراگیرترین رسانه جمعی بخش مهمی از فضای زندگی مردم ما را بـه خـود اختصـاص داده است و به واسطه این نقش محوری تأثیرات متعددی بر فرد و گروههای اجتماعی، سـازمانها و کل جامعه بر جای می‌گذارد. بنابراین آشنایی دقیق بـا قابلیـت‌هـای رادیـو در عرصـه‌هـای مختلـف فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی و خصوصا در شرایط بحرانـی همچـون جنـگ بـرای سـاخت برنامه هایی اثر گذارضروری می نماید.

باید اذعان داشت که رادیو یک وسیله نیرومند فرهنگی است از فرهنگ مایه می گیرد و در عین حال خود سبب دگرگونی و تحولاتی در فرهنگ می شود. بررسی این تحولات و دگرگونی هـا و اصـولا نقش فرهنگی رادیو با اندازه گیری های کمی برنامه ها قابل انجام نیست. بلکه تجزیه و تحلیل کیفی و دقیقی را در گفتارها و محتوای برنامه ها می طلبد .

با توجه به نقشی که رادیو در جهت‌گیری و جامعه‌پذیری ایفا می‌کند و تاثیری که در طول زمـان بـر بینش‌ها می‌گذارد. باید تاثیر آن را در کنار سایر عوامل مورد بررسی قرار داد.

ما در این پژوهش به طور خاص به بررسی سبک نویسندگان رادیـو در دهـه شصـت و هفتـاد مـی پردازیم و برآنیم تا روابط متقابل رادیو ,جامعه و ادبیات معاصر را بررسی نماییم.

۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

رسانه های همگانی خصوصا رادیو در تمام دنیا دارای اهمیت هستند. رسانه رادیو با ویژگی وسعت , سرعت و تداوم,در بین رسانه های دیگر ممتاز است.(معتمد نژاد, ۱۳۷۰,ص ٤٠)و از آنجا که اعلام و تداوم سیاست ها و ایدئولوزی ها ی دولت ها اثر گذاری بر افکار عمومی و جوامع از کارکردهای مهم وسایل ارتباط جمعی خصوصا رادیو و مخصوصا در شرایط بحرانی همچون جنگ است لذا بر آن شدیم تا با بررسی سبک شناسی نویسندگان رادیو در دهه ٦٠ و ۷۰ به چارچوبی برای نگارش متون رادیو (متون عمومی و حماسی) دست یابیم.آنچه انتظار می رود سبب نوآوری این پژوهش گردد بررسی سبک شناسانه متون رادیو (متون ادبی) با محوریت سبک فردی و بررسی رابطه آن با فرهنگ و ادب عمومی جامعه است.آیا نویسندگان رادیو از ادبیات و جریان فرهنگی – ادبی جامعه, اثر می پذیرند یا این متون رادیوست که فرهنگ و واژگان ادبی را در جامعه متحول می نماید؟

۳- ۱ اهداف تحقیق

۱.اسخراج سبک فردی نویسندگان دهه ٦٠ و ۷۰ و بررسی میزان اثر آن بر شرایط سیاسی فرهنگی اجتماعی جامعه در آن دوران

۱ .استخراج سبکی کاربردی و تطبیق آن با شرایط زمانی و محتوایی در دهه ۸۰

۱-٤ پرسش های اصلی تحقیق

۱. آیا سبک فردی نویسندگان متون ادبی رادیو در نگارش متون ادبی دوران مورد نظراثرگذار است؟
۲. دوران طلایی رادیو چه نقشی در شکل گیری ادبیات معاصر دارد ؟
۳. سبکهای مختلف نویسندگی متون ادبی در دوره مورد نظر کدامند؟

۱-۵ فرضیه های تحقیق

۱. کیفیت و توجه به محتوای نگارش متون ادبی رادیو در دهه مورد مطالعه بیش از دهه هشتاد بوده است.
۲. اکثر نویسندگان برنامه های ادبی رادیو در دهه شصت و هفتاد ازفعالان رسانه های چاپی بوده اند.
۳. در دهه هشتاد حضور نویسندگان دهه شصت و هفتاد کمرنگ و صرفا محدود به برنامه های مناسبتی(دینی – مذهبی) شده است .

۱-٦ تعریف مفاهیم تحقیق

تعاریف نظری

سبک شناسی

سبک، در زبان عربی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است و سبیکه پاره نقره گداخته را گویند. در اصطلاح ادبی به معنای طرز خاصی از نظم و نثر است که معادل style اروپایی باشد.
خود از ستیلوس یونانی ماخوذ است و به معنای آلتی فلزی یا چوبین که به وسیله آن حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش می کرده اند. امروز هم ایرانیان به «قلم» معنایی شبیه به سبک می‌دهند و می‌گویند: «فلان کس خوب قلمی دارد».(بهار، ۱۳٤۹، صص۱۰-۱۵)
به عبارت بهتر، سبک هر کس، روشی است که برای بیان اندیشه خود برمی‌گزیند مشروط بر اینکه این روش را خود ابداع کرده باشد یا حداقل با روش دیگران متفاوت باشد.(محجوب، ۱۳٤۵,صص ٤۹-۵۱)
سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیلهٔ ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر .سبک به یک اثر ادبی وجههٔ خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القاء میکند .و آن نیز به نوبهٔ خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره "حقیقت"میباشد. بنابراین، سبک در معنی عام خود عبارت است از تحقّق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص میسازد .سبک شامل دو موضوع است :فکر یا معنی، صورت یا شکل .از توجه به جهان بیرون فکری در ما تولید می شود و آن نمونه ای است از تأثیر محیط در فرد و ما آن فکر را با سوابق ذهنی خود منطبق و موافق می سازیم و با همان جنبهٔ فکری خویش برای شنوندگان تعبیر میکنیم و این نمونه ای است از تأثیر فرد در محیط .هر موضوع

و فکری، شکل و قالبی برای تعبیر لازم دارد .خوانندگان این اثر ادبی، از روی مطالعه و آشنایی با شکل اثر، معنی را که منظور گوینده است در می یابند -فکر در قالب جمل مستتر است و جداگانه بیان نمیشود – پس موضوع، خود در ادبیات جزو شکل محسوب میگردد و هرگز نمیتواند از آن جدا باشد – از سوی دیگر مطلب یا فکر اصلی یک اثر ادبی شکل آن را تعیین میکند و همین یگانگی فکر و شکل یا معنی و صورت است که بنیاد سبک را تشکیل میدهد. (محجوب، ۱۳٤٥,صص۷۸-۸۱)

در این تعریف ویژگیها و شاخصه های اصلی سبک عبارتند از:

الف)روش خاص ادراک وبیان افکار؛

ب)ترکیب کلمات، انتخاب الفاظ و طرز تعبیر؛[۱]

به عبارت دیگر بهار بر دو نکته تأکید بیشتر دارد:

الف)نوع نگرش؛

ب) نوع گزینش واژه ها و شیوهٔ بیان.

شایان ذکر است کرسی سبک شناسی بهار پس از ایشان در دانشکده ادبیات اهمیت یافت و نسل دست پروردهٔ او تتبعات سبک شناسی و تحلیل متن را پی گرفتند[۲]

متن

متن تنها آثار مکتوب را شامل نمی شود، بلکه هر سخن و اثر هنری مانند نقاشی، سینما و موسیقی را در بر می گیرد. هر اثری که برای مخاطب پیامی داشته باشد در قلمرو متن قرار می گیرد و باید به تفسیر آن پرداخت. ژوزف مارگولید و تام راکمور[۳] در کتاب فلسفه تفسیر در تعریف متن چنین می

---

[۱] مرحوم استاد غلامحسین یوسفی درباره روش سبک شناسی استاد بهار چنین استنباطی دارد : سیری در کتاب سبک‌شناسی، پژوهندهٔ نکته یاب را متوجه می‌سازد که استاد بهار به شناخت ویژگیهای صرفی و نحوی زبان هر دوره و واژگان و کیفیت تعبیر هر صاحب اثر بیشتر از مضمون و محتوی و طرز ادراک تکیه کرده است،

[۲] مرحوم زرین کوب در استمرار سنت و روش استاد بهار در تتبعات ادبی پس از بهار مینویسد:
آنچه استادان دانشکده به نام سبک شناسی تعلیم کردند در واقع چیزی جز بسط و« تفصیل مطالب خطابه های بهار نبود .فقط شواهد و امثال زیاد برای توضیح اقوال او نقل کردند .بهار حتی مطالعاتی را که در زمینه تطور لغت و نحو زبان فارسی انجام داد به همین عنوان سبک شناسی نثر خواند و این رشته از مطالعات هم تقریباً با همان الگوی بهار دنبال شد.

گوید: "متن عبارت است از مجموعه ای واقعیات که به عنوان نشانه ها به کار مـی رود و بـه وسـیله یک مؤلف به قصد انتقال معافی خاص به یک شنونده، در یک بافت معین انتخاب و تنظیم می شود." از نظر آنها متن دارای دو ویژگی اساسی است:

واقعیت یک متن باید قابل درک باشد، خواه به وسیله حواس مانند درک خطوط، اشـکال و ایماهـا و اشاره ها و یا ادراک پدیدار شناسانه مانند ادراک تصورات ذهنی.

این واقعیات قابل ادراک باید به عنوان نشانه ها به کار روند، یعنی آنها باید معنادار باشند. این نشـانه ها باید به گونه ای انتخاب و تنظیم شوند که مؤلف بتواند معنای مشخصی را به شنونده در یک بافت معین منتقل سازد .با این بیان متن محدود به نوشتار نمی شود. بلکه متن می تواند اظهار شود، نوشته شود، عمل شود و یا اندیشه شود.

ریکور[1] مفهوم متن را گسترش می دهد و اموری چون نمادها، اسطوره های دینی و حتـی رویاهـا را متن می‌خواند. از نظر وی دانش روانکاوی که می خواهد معنای نهفته رؤیاها را آشکار سازد به گونه ای به تفسیر می پردازد. ریکور حتی تاریخ را متن تلقی می کند، زیرا می توان رویدادهای گذشته را طراحی و معانی را برای آنها آفرید.

این محققان آثار هنری را تعیین و ناپذیر می دانند و دو عامل را در آن مؤثر می دانند: جنبهٔ تخیلـی اثراستعاره ای بدون اثر که معنای آن گشوده است.

در فهم متن نیز می توان علاوه بر فهم مؤلف و فهم خواننده از موضوع دیگر سـخن گفـت: یکـی ـ معنای مستقل از مؤلف و خواننده با به اصطلاح ما مدلول مطابقی متن و دیگر معنا و استلزامات متن یا مدلول التزامی آن.

تعاریف عملیاتی

سبک شناسی

سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القـا میکند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده در باره «حقیقت» میباشد. سبک در زبانشناسی اجتماعی آن گونه ای از زبانست که در رابطه بـا مسـتمع بوجـود میآیـد، ماننـد سـبک

---

[1] Paul Ricœur

مؤدبانه، سبک واعظانه و سبک تحقیری، بسته به این که مستمع با سخنور چه رابطه ای داشته باشد، از او بالاتر یا پایین تر و یا با او مساوی باشد(باطنی ,۱۳۸۵ ,ص ٦٥)

هر گفتار رادیویی ضمن رعایت قواعد کلی باید سبک خاص ان نوشته شود.هر برنامه رادیویی نیز ویژگی هایی دارد که به نوعی بر زبان برنامه موثر است.موضوع قالب و مخاطب یک برنامه در تعیین سبک زبان آن موثر است. (ذاکری , ۱۳۸٤,ص ٥)

درقرن نوزدهم بر اثر پدید آمدن سبک رومانتیک، سخنوری به صورت قدیم خود متزلزل و دستخوش تغییر شد و نوسازی گردید و به شکلی تازه درآمد؛ به این معنی که به تدریج از درون آن چند فن جدید بوجود آمد از قبیل : سبک شناسی، آئین نگارش[1] ، معنی شناسی، آواشناسی، نقد ادبی، سخنرانی.

واقعیت این است که سبک شناسی مانند بسیاری از مسائل قابل تعریف جامع و مانع نیست و نظریات مختلفی در آن طرح شده است. این اختلافات ناشی از زاویه دید سبک شناسان به عوامل محتوایی یا صوری است؛ در حالی که سبک نه به ویژگی‌های شکلی منحصر می‌شود و نه صرفاً از محتوا سرچشمه می‌گیرد. بلکه تجلی عناصر شکلی و محتوایی و چگونگی ترکیب آن، مشروط به شرایط بیرونی (محیط اجتماعی، تاریخی) و شرایط درونی (شخصیت هنرمند و..) است. سبک چگونگی درهم تافتن و وحدت‌یافتن شکل و محتواست و تفکیک شکل و محتوا در واقعیت آثار هنری غیر ممکن است. (مین‌پور، ۱۳۸٤،صص ۱۸۲-۱۷۹) سبک شناسی نه در ادبیات بلکه در نقاشی و هنر معماری و...نیز کاربرد دارد و باعث درک عمیق‌تر آثار هنری و جوانب آن و پی بردن به روحیه و شخصیت صاحب اثر می‌گردد.

- در شعر فارسی از قدیمی‌ترین ادوار تا استقرار مشروطیت در ایران به سه یا ٤ سبک قائل شده‌اند: ۱- سبک خراسانی (ترکستانی)؛ ۲- سبک عراقی؛ ۳- هندی؛(اصفهانی) ٤- بازگشت ادبی (برخی بازگشت ادبی را سبک مستقلی نمی‌دانند). نام این سبک‌ها به مکان‌هایی معین بستگی دارد اما در واقع مکان را در تحول شعر دخالتی نبوده است و سبک‌ها مربوط به زمان‌ها و دوران‌های معین تاریخی است و چون هر سبک از یک ناحیه نشأت گرفته و در آن توسعه یافته، نام آن مکان را گرفته است.(محجوب،۱۳۷٥صص۵۱-٤۹) جا دارد به سبک بینابین نیز اشاره شود ;

این سبک همان سبک حد واسط یا سلجوقی است که در قرن ششم رواج داشته است.

شاعران این دوره مانند انوری و ظهیر دو جنبه هستند. هم قصیده می گویند و هم غزل.

[1] Buffon

غزل آن ها متقابل به سبک عراقی و قصیده به سبک خراسانی بوده است. مختصه اصلی شعر آنان همان مختصه اصلی سبک خراسانی یعنی سادگی و روانی است. تعداد شاعران این دوره اندک است. چون تشیع در اشعار قدما دیگر متروک شده است.

شایان ذکر است که سبک مشروطیت نیز از سبک های مورد نظر است. در دورهٔ مشروطیت ملل و اسباب مذکور در ذیل تحولی در ادب فارسی پدید آمد که هنوز ادامه دارد بدین گونه که زبان های بیگانه مورد توجه قرار گرفت و گویندگان و نویسندگان، با ادب اروپائی آشنایی یافتند و خواه و ناخواه افکار گویندگان و نویسندگان اروپائی در ادب فارسی راه پیدا کرد .

مطبوعات رو به کثرت و رواج نهاد و افکار را بیدار و روشن کرد و این خود در ایجاد تحول سخت موثر افتاد . دانش و فضیلت که تا آن عهد مخصوص طبقهٔ ممتاز و توانا بود تعمیم و همگان به فرا گرفتن علوم و فنون و رغبتی یافتند و از این راه ادب وادبیات رونق و رواج دیگری پیدا کرد . تجدد طلبی و نوع خواهی باعث آن شد که شیوه های ساده در ادب فارسی راه یابد و این مهم است . از مشهورترین سرایندگان این سبک میتوان : نشاط ، هاتف ، بیگدلی ، ادب نیشابوری ، ادیب پیشاوری و محمود خان صبا را نام برد .

علاوه بر آنچه گفته شد سبک‌هایی که به لحاظ ادبی اهمیت کمتری دارند نیز وجود داشته است مثل مکتب وقوع و واسوخت، که بینابین عراقی و هندی بوده است. (قرن دهم)

لازم به ذکر است که سبک انقلاب اسلامی نیز در دوران معاصر بسیار حایز اهمیت است که البته به اجمال در فصل دوم (ادبیات مقاومت) به آن می پردازیم .در اینجه ذکر این نکته ضروری است که با وجودی که از عمر ادبیات انقلاب اسلامی به خصوص شعر حدود سه دهه و اندی بیشتر نگذشته است در این مدت، چه بسا عمر دوره شعری و شاعران کوتاه‌تر از آن باشد که بتوان مدعی شد به سبک نوین و متفاوت از گذشته دست یافته باشند. اما جلوه‌ها و نمودهایی از نوآوری و سعی برای یافتن زبانی خاص مشهود است.

طیفی از شاعران تعلق خاطری به سبک خراسانی، گروهی عنایتی به سبک عراقی دارند و برخی علاقه‌مند به سبک هندی یا اصفهانی‌اند. همین گرایش‌ها ما را مجاز می‌کند که به بازگشت ادبی دوم معتقد باشیم. برخی به ضوابط و اصولی که گذشتگان به خصوص برای رابطه قالب ها و محتوی تعریف کرده‌اند پایبند نیستند و از قالب غزل برای بیان سوگواره‌ها و منقبت ائمه هدی و حتی مضامین حماسی استفاده کرده، در صدد برآمده‌اند که به ظرفیت این قالب شعری بیفزایند. همچون علی معلم، قادر طهماسبی و آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی.

متن ادبی

ادبیات از واژه ادب اخذ شده و به نوشته هایی اطلاق می شود که «ادبی» باشند. پس برای روشن شدن مفهوم ادبیات، می بایست معنای ادب را مشخص کرد.

پژوهشگران زبان فارسی، ادب را از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داده اند. برخی معتقدند که ادب کلمه ای است فارسی که از ریشه «دو» یا «ادیپ»، در زبان پهلوی اخذ شده است. «دو» یا «دیپ» به معنی نوشته است و هر آنچه با آن مرتبط باشد. به طوری که واژگانی چون دبیر، دیوان، دبستان، دبیرستان و حتی دوات و شاید دفتر نیز از این ریشه باشند و دی پی [1] در زبان پهلوی، به معنی نوشته است.

خوب است بدانیم این مفهوم با مفهوم کلمه[2] در زبان انگلیسی مطابقت می کند و ادبیات به این مفهوم؛ در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، به کلیه آثار مکتوب و حتی روایات شفاهی اطلاق می شود که در حوزه ای بسیار گسترده، تمام آثار ادبی و غیر ادبی را نیز در بر می گیرد، به طوری که بر این مبنا هر نوشته ای که محصول قلم تلقی گردد می تواند در محدوده ادبیات قابل طرح و بررسی باشد، از طرف دیگر، عده ای را عقیده بر این است که (ادب) ریشه عربی دارد و مفهوم ادبیات را باید در معنی این ریشه و در حوزه زبان عربی جست وجو کرد. بر این اساس؛ ادب به معنی تعلیم و تعلم و دارای مفهوم تربیت کردن و رام نمودن است.

متن یک رخداد ارتباطی است که باید هفت معیار داشته باشد : انسجام- پیوستگی-هدفمندی-پذیرفتگی-اطلاع رسانی-موقعیت مداری-بین متنی و اگر متنی هفت معیار مذکور را نداشته باشد نامتن است. (دوبوگراند و درسلر – ۱۳۷۰-ص۲۵)

این معیار ها اصول سازنده ی ارتباط متنی هستند. به سبک سرل آنها مشکلی از رفتار را که به عنوان ارتباط متنی قابل تشخیص است توصیف و ایجاد می کنند و اگر نادیده گرفته شوند آن شکل رفتار بی نتیجه خواهد ماند. (1969,P33)

این که رادیو فقط از صدا استفاده می کند برای آن است که فقط باید شنیده شود و این یکی از مهم ترین ویژگی های رادیو و اثرگذارترین عنصر بر برنامه سازی و متن های رادیویی است. (AlanBeck2012-P12)

[1] dipi
[2] Literature

اطلاع رسان شش می گوید :

"ادبیات در مرحله اول به مثابه یک مقوله هنری در تأمین نیازهای روانی و تلطیف روح انسان و به هنجار نمودن ناهنجاریهای روحی، نقش و کاربرد مهمی دارد و این عامل، خود از انگیزه هایی است که انسان را به گونه ای ناخودآگاه مجذوب ادبیات می کند و حتی اخیرا در درمان بیماران روانی از شیوه (شعر درمانی) [1] استفاده می شود. چون ادبیات با خصوصیت ویژه و لطافت آرام بخش خود رنج های روحی را تقلیل می دهد و خشونت های روانی را از میان برمی دارد."

خلق آثاری که در طبیعت موجود نیست، باعث آرامش و رضایت روح انسان می شود و خلاقیت نیز در عرصه ادبیات، برای تقویت مبانی روحی، موثر و کارساز است. در مرحله دوم چنان که مشاهده می شود، ادبیات بخش عظیمی از تلاش ها و کوشش های جدی بشری برای حفظ و گسترش و انتقال فرهنگ را تشکیل می دهد. فرهنگ هر مرز و بوم نه تنها توانسته است به وسیله ادبیات، بسیاری از مسائل علمی، اجتماعی، فکری، تاریخی و ذوقی خود را حفظ نماید، بلکه امکان آن را داشته تا به وسیله آثار ادبی در گسترش و تکامل خویش، نهایت استفاده را از آن ببرد. به طوری که ادبیات جزء جدایی ناپذیر فرهنگ هر ملتی به حساب می آید. در مرحله سوم باید گفت تکامل یافتن هر دانش و فنی، نیازمند ادبیات می باشد. حتی در خوشنویسی و نقاشی و فراتر از آن در علوم تجربی محض نیز، بی نیاز از ادبیات نیستیم؛ چرا که ادبیات اندیشه و تفکر را عمق می بخشد و با گسترش بینش، دیدگاههای گوناگونی را در افق دید ما می گشاید.

تاریخ علم و فرهنگ گواهی می دهد که بزرگان علوم و فنون مختلف از ذوقی ادبی و دانش های مربوط به این فن نیز، بهره مند بوده اند، به خصوص اندیشمندان و سیاستمداران موفق گذشته و امروز ما که با شناخت و علاقه مندی و همچنین با توجه به علوم و فنون ادبی و به کارگیری آنها در آثار خود، جلوه ای خاص به شخصیت خویش بخشیده اند، چنانکه مقام ادبی امام راحل (ره) و همچنین تسلط استادانه و ادیبانه مقام معظم رهبری , دکتر شریعتی واستاد مطهری به متون مختلف ادبی، بر صاحب نظران پوشیده نیست، و تنها از خطابه ها و مقاله های ایشان می شود استنباط کرد که ادبیات چه نقش مهمی در این مقوله داشته است."

نه تنها گفته، بلکه نفس اجرای آن دلالت و اهمیت تاریخی و اجتماعی دارد همچنان که در کل نفس تحقق آن در این جا و آن جا و اکنون در یک شرایط مفروض،در یک وهله تاریخی معین و تحت شرایط اجتماعی مفروض از چنین دلالت و اهمیتی برخوردار است. نفس حضور گفته به لحاظ تاریخی و اجتماعی دلالت گر و حائز اهمیت است. زبان در ارتباط کلامی ملموس و نه در نظام زبان شناختی انتزاعی زبان یا در روان فردی گویندگان حیات و تکامل می یابد و در واقع موقعیت زبان

[1] Poemtrapy

یک وضع صیرورتی داشته که نهان و آشکارش در موقعیت های اجتماعی است (باختین, ۱۹۶۰,ص۱۱٤)

"سروری" ادبیات را اینگونه می پندارد:

" (الف) ادبیات آمیزه ای است از قال و حال،یعنی آمیزش و تلفیق احساس و اندیشه (ب) ادبیات آئینه تمام نمای روح یک ملت یا یک قوم است که مواریث ذوقی و ذخایر فکری جامعه را مشخص می کند، به طوری که از یک طرف تاریخ و فرهنگ را شامل می شود، و از طرف دیگر راهنمای تکاملی بشر است.

(ج) ادبیات مجموعه آثار مکتوبی است که بلندی افکار و تخیلات را در عالیترین و بهترین صورت نمایش می دهد.

(د) ادبیات سخنان برتری است که از حد سخنان عادی فراتر می رود و مردم نیز برای آن سخنان ارزش قائل شده و آنها را جمع آوری، تدوین و ترویج می کنند. "

این گونه های زبانی بیشتر کارکردی حسی و عاطفی دارند.گفتار ادبی در رادیو هنگامی به کار می آید که موضوع به نوعی با عواطف و روحیات مخاطب مرتبط باشد و برنامه ساز درصدد آن باشد که مخاطب را به رفتار عاطفی خاصی ترغیب نماید یا احساسی را در او برانگیزد. نویسنده در این مقام با ایجاد جلوه های تصویری و فضاهای حسی و لطیف در متن و با درگیرکردن قوه احساس و تخیل مخاطب پیام خود را انتقال می دهد، نظیر متن های ذیل:

متن۱)

"برای آنان که با از دست دادن کمترین موقعیتی غمگین و آزرده می شوند این سخن افلاطون شنیدنی است:

اگر روزی آمد و تو از شأن و مقامی که داشتی فروافتادی غمگین مباش و اندوهگین مشو. بنگرکه هرغروب خورشید با همه شکوه و عظمتش در دل تاریکی ها فرومی رود، وهر بامداد، درخشان و سرفراز از افق سر برمی آورد"متن۲- برای آغاز برنامه)

"این گفته اندیشه برانگیز از لامارتین است که برای بیان مفهوم عشق و دوستی باید لغت نامه ای به وسعت همه دلهای مهربان تالیف کرد.

اما در چنین لغت نامه ای، در پیشانی صفحه اول آن، واژه ای خودنمایی می کند که همه مفاهیم دوستی را یکجا با خود دارد. واژه سلام..."

و متنی دیگر که اگر چه نقش اطلاع رسانی هم دارد کارکرد اصلی آن احساس برانگیزی است:

متن۳)

"آیا هنر مرزی دارد؟آیا هنر محدود شدنی است؟برای آنکه به این سوال پاسخ دهید یک لحظه چشمهای خود را ببندید و تصور کنید در این حال که توانایی دیدن ندارید می خواهید نقاشی کنید.آیا می توانید؟

قطعاً کار ساده ای نیست؛ شاید هم محال به نظر بیاید؛ اما واقع امر، این کار شدنی است. ای کاش، هفته گذشته شما هم نمایشگاه آثار نقاشی کودکان و نوجوانان نابینا را دیده بودید.آنها با دستهای خود سبزی و شادابی بهار، صفای دشت، پرواز پرنده، رقص برگها و جوشش چشمه و زیبایی گل سرخ را می بینند و روی بوم نقاشی تصویر می کنند.

دیدن آثار این هنرمندان نابینا که رنگها را از روی بوی آنها حس می کنند شما را در برابر دنیای بدون مرز هنر قرار می دهد و بی اختیار لب به تحسین می گشایید.

خانم مهوش سپهر که مبتکر رنگهای نقاشی مخصوص کودکان است می گوید: وقتی رنگی بوی گل یاس می دهد فرد نابینا متوجه می شود که این رنگ سفید است،همینطور وقتی او به دنبال رنگ زرد است رنگی را انتخاب می کند که بوی زرد چوبه می دهد. زندگی با همه زیباییهایش در دستان این هنرمندان می بالد و شکل می گیرد وتو باور می کنی که هنر محدودیتی ندارد"

زبان نوشتاری ادبی نیز نظیر نوشتاری ساده، طیفی از گونه ها را (از حیث قواعد دستوری، سطح واژگان و نحو جمله) در برمی گیرد. در یک سوی این طیف گونه نازل و در سوی دیگر آن گونه فخیم ادبی قرار دارد، سه متن پیش از جهت گونه زبانی در میانه این طیف قرار می گیرند. درباره زبان ادبی در رادیو نکاتی در خور تذکر است. نخست آنکه، این گونه را نباید با گزافه گویی و زبان شاعرانه کاذب که در واقع، گونه ای ادبی نما و غیراصیل و تفننی است یکی شمرد. در گونه اخیر، که متاسفانه سالهاست در رادیو باب شده، قصد نویسنده بیشتر زیبایی آفرینی صوری است، یعنی نگارش نثرهای آهنگین و پر طنطنه بی آنکه مضمون روشنی داشته باشند یا پیام خاصی افاده کنند.تصرفات سلیقه ای و غیرمسئولانه در سطوح زبان، بی قیدی نسبت به ساخت دستوری، بازی با کلمات، تراکم عناصر شعری و تعبیرهای مبالغه آمیز و عبارتهای تزیینی بی نقش و نهایتاً معناگریزی از خصوصیات شاعرانگی کاذب است، نظیر متن زیر:

"از ژرفای نگاه چکاوکی که امتداد پروازش در فراخنای دشت زندگی و سیّال دل عاشقانه رازی است ناگشوده، تو را به نظاره ایستاده ام که به شمشادهای بیدار اقتدا کرده ای و بلوغ حضور را چونان تندیسی از نجابت در پیشگاه زمان فریاد می کنی"

این قبیل نوشته ها، گذشته از آنکه اساساً تاثیر عاطفی اندکی دارند، با طبیعت رادیو که رسانه ای شفاهی است (و در آن زنجیره گفتار سریعاً تولید و در بعد زمان محو می شود و ناگزیر به همین

سرعت باید درک شود) چندان سنخیتی ندارند، زیرا مضمون آنها را مخاطب به سختی دریافت می کند (البته اگر مضمونی در کار باشد)

باید توجه داشته باشیم که تنها عوامل زبانی و عناصر واژگانی نیستند که متنی را ادبی می کنند. از باب نمونه، دو متن را با موضوعی یکسان با هم مقایسه می کنیم:

متن۱)

"میهنم ایران ؛

با تولبریزم از درخت، آب، آفتاب.با تو سرشارم از عشق، جان ، ایمان.

خاکت ای پاک، طعم باران می دهد..."

متن۲)

"در حالی که داشت به پسرش کمک می کرد تا نقشه جغرافیای ایران رارسم کند گفت: به خاطر بسپار که هر جا قلم می گذاری باید روزی وجب به وجب هم قدم بگذاری. چون کسی که وطن خود را نمی شناسد مثل کسی است که در خانه ای زندگی می کند و آن را نمی شناسد"

چنانکه ملاحظه می شود در متن نخست، نویسنده موضوع (عشق به میهن) را با کلماتی زیبا و در بافتی شعرگونه انتقال داده است. با وصف این، متن چندان احساس برانگیز نیست، اما همین موضوع در متن طرح گونه دوم به شیوه ای بیان شده که به رغم زبان ساده آن عواطف مخاطب را بر می انگیزد.

غرض آنکه، برای نوشتن گفتار ادبی در رادیو نباید یکسره به سراغ کلمات زیبا و ترکیب های مخیّل و نمادین رفت. نوشته ادبی و هنری لزوماً مترادف با بیان شاعرانه و جملات خیال انگیز نیست. اصل آنست که نویسنده در احساس مخاطب چنگ اندازد و او را متأثر سازد. این مقصود در بسیاری از موارد تنها با خلق گفت و شنودی ساده یا به تصویر کشیدن صحنه ای یا توصیف موقعیتی حاصل می شود، بی آنکه نیازی به واژگان مطنطن باشد.

نکته دیگر آنکه، زبان ادبی رادیو در هر بافتی (برنامه ای) با لفظ قلم ملازمه ندارد. همچنانکه در ادامه خواهیم گفت خیلی از متن های ادبی رادیو به زبان نیمه رسمی نوشته می شوند. (ارتباط شخصی – آذر۱۳۹۰)

فصل دوم

مبانی نظری تحقیق

۱-۲ پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی های صورت گرفته در میان تحقیقات و پژوهش های انجام شده در مراکز تحقیقاتی و دانشگاه ها , سبک شناسی نویسندگان رادیو مطالعه نشده است. تنها در حوزه جنگ تحمیلی و ادبیات آن دوره که با بخشی از این پایان نامه اشتراک زمان دارد و از نظر محتوا و تحقیق ارتباط معنا داری ندارد **" تاثیر هشت سال جنگ تحمیلی بر واژگان زبان فارسی و به وجود آمدن اصطلاحات و تعبیرات جدید در دوره هشت ساله ی دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹) در مناطق جنگی و خطوط دفاعی" ناصر معتمد علیخانی, دانشگاه آزاد- تهران مرکز** موجود است.

علیخانی در این پژوهش به بررسی تاثیر جنگ بر واژگان زبان فارسی در زمان دفاع مقدس و تبیین این مساله که آیا روند تغییرات زبانی در مورد واژگان مربوط به جبهه‌های هم همانند روند عادی تغییرات زبانی است ,می پردازد.نتیجه کلی این است که: واژه‌های مربوط به جنگ با فرآیندهای واژه‌سازی و بررسی ساخت واژی این داده‌ها تطبیق می یابد و در بین واژه‌های مربوط به جنگ هم، روند گسترش و انتقال معنی و همچنین الگوهای ساخت سازه‌ای زبان فارسی همانند همه زبانها وجود دارد ولی سرعت این روند بیشتر است.

در حوزه متن **"بررسی عناصر انسجام بخش در متون اجتماعی رادیو – طاهره جولانی , دانشگاه شهید بهشتی "** ارتباط اندکی با موضوع این پژوهش دارد.

از آنجا که تحقق انسجام در شکل گیری متن و متنیت اهمیت به سزایی دارد و باز به دلیل آنکه انسجام مبحث گسترده ای از موضوع متن و متنیت را به خود اختصاص می دهد جولانی بر آن شده تا به بررسب معیارهای هفتگانه متنیت به نقل از هیلدی در دستور نقش گرا بپردازد.جولانی به نقل از درسلر متن را یک رویداد ارتباطی می داند که اگر هفت شرط انسجام-پیوستگی-هدفمندی-پذیرفتگی-اطلاع رسانی-موقعیت مداری و بینامتنیت را نداشته باشد نامتن می شود.از میان این معیارهای هفتگانه ,انسجام موضوع اصلی جولانی در این پژوهش بوده است.جولانی نتیجه می گیرد که متن یک واحد زبان به هنگام کاربرد است و یک واحد دستوری, مانند یک بند یا جمله نیست و توسط اندازه اش توصیف نمی شود.متن از جمله تشکیل نمی شود بلکه توسط جمله,تحقق می یابد یا در جمله رمزگذاری می شود.

آنچه جولانی در بررسی عناصر انسجام بخش در متون اجتماعی رادیو می گوید به تجزیه تحلیل ساختاری و قواعد نگارشی آنها نزدیک تر است لذا آن رابطه معناداری که به پژوهش ما (بررسی سبک شناسی فردی نویسندگان ادبی و تاثیر و تاثرات فرهنگ اجتماعی) مرتبط باشد ,حاصل نشد.

" ویژگی های زبان رادیو- محمد صادق رحمانیان ,دانشگاه آزاد اسلامی" اشاراتی به ویژگی های زبان ادبی در رادیو دارد.

رحمانیان رادیو را رسانه ای می داند که در آن صرفاً از ارتباط کلامی برای برقراری ارتباط بهره گرفته می شود. نویسندگی در رادیو مستلزم شناخت کافی از این رسانه و مزیت ها و محدودیت های آن است. از طرفی نویسندگی به هر زبانی نیازمند آگاهی از زبان و به کارگیری درست آن زبان است. نویسندگی هنری ذاتی است که همچون سایر استعدادهای فطری نیاز به پرورش و آموزش دارد. از کسی که از بهره و هوش فطری زبان و نویسندگی برخوردار است، الزاماً انتظار نمی رود که بتواند نویسنده موفقی برای رسانه ای همچون رادیو باشد.

بنابر این مطالعات زبان شناسی که از دیرباز جریان داشته است می تواند ما را در جهت به کارگیری درست زبان در رادیو رهنمون باشد. نظام زبان یکی از نظام های نشانه شناسی است که انسان در ارتباطات بینافردی و اجتماعی به کار می گیرد. متن (برای نمونه متن رادیویی) حاصل عملکرد نظام های مختلف نشانه ای است که در قالب لایه های متنی مختلف عمل می کند .رحمانیان در این تحقیق با مطالعه عمیق تر نظریه یاکوبسن درباره نقش های زبان و استفاده از این نظریه در شناخت نقش های زبان در رادیو به این مسئله می پردازد که اصولاً زبان رادیو از چه نقش هایی بیشتر بهره می برد. مثلاً زبانی که در یک برنامه خبری به کار می رود با زبانی که در یک برنامه سرگرمی یا برنامه ادبی به کار گرفته می شود متفاوت است. یعنی در واقع نقش های زبان در گونه (ژانر)های مختلف برنامه های رادیویی با هم فرق دارند.

آنگونه که او جمع بندی می کند هنگامی که فردی در مقام نویسنده برای رسانه هایی همچون روزنامه، تلویزیون، رادیو متن می نگارد، دانش ناخود آگاه زبان به نظر کافی نمی رسد. در این مرحله نویسنده به دانش زبانی فراتری نیاز دارد، یعنی لازم است آگاهانه تر با زبان خاص هر رسانه برخورد کند و از امکانات زبانی آن رسانه به نحو احسن بهره ببرد.

نویسنده با کسب این شناخت می تواند برای برنامه های مختلف با محتواهای گوناگون بهترین متن را بنویسد به طوری که در کمترین زمان بیشترین تاثیر را برشنونده بگذارد. برای مثال نویسنده ای که متن یک برنامه ادبی را می نویسد باید به این نکته واقف باشد که زبان در این نوع برنامه بیشتر نقش شعری دارد. و اگر برای یک برنامه خبری متن می نویسد باید بداند که زبان در محتوای خبری بیشتر

نقش ارجاعی دارد. اگر نویسنده به این نکات واقف نباشد همان پیش می آید که برای نمونه هـر روز در برخی از بخش های خبری شبکه رادیویی پیام پیش می آید. یعنی گوینده خبر در ابتدا یـا انتهـای اخبار ناگهان یک جمله ادبی یا توصیه اخلاقی را پارازیت وار بیان می کند و شنونده را دچار بهـت و حیرت می سازد. نقش شعری جمله ادبی با نقش ترغیبی توصیه اخلاقی در محتوای یک برنامه خبری جایی ندارد و اگر هم نویسنده یا گوینده ضرورت بسیاری برای بیان آن حـس مـی کنـد بایـد زمینـه سازی کند و از محتوای خبری برنامه تا حدی دور شود و زمینه را برای پذیرش شنونده هموار سازد. در غیر این صورت شنونده جمله ادبی با توصیه اخلاقی را که در جای خود بسیار هـم مطلـوب مـی تواند باشد، ناهمگون بامحتوای برنامه حس می کند و شاید تصمیم بگیرد که رادیو را خاموش کند یا موج رادیو را عوض کند و هرگز به این موج برنگردد. رحمانیان معتقد است که مـتن رادیـویی متنـی مرده نیست که بتواند به شکل نوشته صرف هویت یابد. بخشـی از تـاثیر مـتن ناشـی از اجـرا و نیـز فضاسازی هایی است که می توان صورت داد. نویسنده رادیو بار مضاعفی بردوش دارد. زیرا علاوه بر شناخت رسانه رادیو و امکانات فضاسازی در آن باید زبان را در بافت هـا و موقعیـت هـای متفـاوت درست به کار برد. ما در این پژوهش به طور خاص نقش شعری متون را بررسی می کنیم.

" زبان و رسانه های گروهی : آشنایی با زبان رادیو" محمد صالح ذاکری, دانشگاه تهران".

ذاکری در این پژوهش ویژگی های زبان و نویسنده ی رادیو را بیان داشته است و معتقد اسـت کـه در شکل گیری زبان رادیو دو عامل نویسنده و گوینده نقش دارند. ذاکری در بیان ویژگی های رادیـو به قابل رجوع نبودن آن اشاره می کند و معتقد است که رادیو الزاما در شـرایط مطلـوب شـنیده نمـی شود.ذاکری در ادامه ویژگی های زبان رادیو از متون رادیو می گوید که نوشته ای بـرای گفتـه شـدن هستند. رادیو رسانه ای شنیداری است و دیدنی ها در رادیو جایی ندارد از دیگر خصوصـیات رادیـو می باشد که ذاکری به آن اشاره کرده است. موضوع برنامه ,قالب و مخاطب هم از ویژگی های برنامه رادیوست که مورد توجه ذاکری قرار گرفته است.میان پـژوهش ذاکـری و ایـن پایـان نامـه رابطـه ی معناداری وجود ندارد و تنها در تعریف مفاهیم پایه به کار آمده است.

"بررسی تطبیقی ادبیات پایداری در ایران- فرزان سجودی از دانشگاه هنر" در این پژوهش جامعه شناسی زبان و مساله ی زبان رادیو بررسی شده است..سجودی در این مقاله کوشیده تا زبان رادیو را بر اساس آموزه های جامعه شناسی زبان بررسی کند او در نتایج می گوید:

" از آن جا که رادیو و برنامه های آن یک کلیت همگن را تشکیل نمـی دهـد و نـاهمگنی آن بـی تردید ناشی از ناهمگنی جامعه ی مخاطبان رادیوست، دستاوردهای جامعه شناسی زبان، به خصوص در زمینه ی گونه های زبانی می تواند پرتو ژرف تری به شناخت ما از پدیده ای بـه نـام زبـان در

رادیو بیندازد." لازم به ذکر است که میان تحقیق سجودی و این پایان نامه نیز رابطه معناداری دیده نشد.

۲ ـ ۲ مبانی نظری تحقیق

۱ ـ ۲ ـ ۲ سبک شناسی

مهمترین طبقه بندی سبک شناسی بنابر دیدگاه ارسطویی

۱) نامگذاری سبک بر مبنای نام نویسنده یا شاعر، و آن زمانی است که سبک شاعر یا نویسنده ای خاص، مقبول طبع دیگران واقع شود و از آن تقلید کنند مانند سبک بیهقی و سبک نصرالله منشی و سبک سعدی و سبک نظامی.
۲) سبکی که بنابر رواج آن در دوره ای معین، نامگذاری شده باشد، مانند سبک دوره مشروطه یا سبک عصر مغول.
۳) سبکی که بر مبنای نوع ادبی یا ویژگی های لفظی اثر یا آثار، نامگذاری شده باشد مانند سبک حماسی و سبک مصنوع.
٤) سبکی که بر اساس موضوع علمی نامگذاری شود مانند سبک علمی و سبک فلسفی.
۵) سبکی که در منطقه ای جغرافیایی رایج شده باشد مانند سبک هندی یا اصفهانی، و سبک خراسان
٦) سبکی که بر اساس مخاطبان نامگذاری شده باشد مانند سبک درباری و سبک عامیانه.
۷) سبکی که نام آن از هدف و نیت نویسنده یا شاعر گرفته شده باشد مانند سبک ژورنالیستی .

ارسطو در رساله ی فن خطابه ی خویش معتقد است که به اندازه ی انواع ادبی، سبک وجود دارد. بدین ترتیب، وی میان سبک سخن حماسی و سبک سخن غنایی تفاوت قائل شده است. بر اساس دیدگاه ارسطویی است که بعدها منتقدان یونان و روم قدیم، سبک ها را طبقه بندی کرده اند و به سبک ساده یا مرسل و سبک بلند و عالی (خیال انگیز ومصنوع) و سبک معتدل(میانه ی سبک مرسل و عالی) قائل شده اند و از اینگونه است تقسیم بندی دیمتریوس منتقد وادیب مجهول الهویه ی یونانی که پس از ارسطو می زیسته است. وی سبک ها را به عادی، مجلل آراسته و قوی تقسیم کرده است. به نظر وی هر یک از این سبک